فیلم عروس که اولین دهه هفتاد در هوای جدیدی را به سینمای جوان گرا اکسود

جوانان در آینه سینمای ایران

از یکنواختی تا تنوع گرایی

مهرزاد دانش

درتعریف مفهوم جوان و این که به چه گروهی جمعیت جوان اطلاق می شود، ممکن است به دلیل تفاوت های مختلفی که در خصوصیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع گوناگون، چشم می خورد اختلاف نظر وجودداشته باشد.

در ایران عموماً با عنایت به تعاریف متعددی که از گزارش های متفاوت گرفته شده است رده سنی ۲۹-۱۵ سال به عنوان جمعیت جوان شناخته شده است.

درحال حاضر کشور ما نه تنها در زمره یکی از کشورهای پرجمعیت جهان (بیستمین کشور به لحاظ جمعیت) طبقه بندی می شود، بلکه به تبعیت از افزایش جمعیت کشور، هرم سنی نیز متحول شده و به مانند بسیاری از جوامع درحال توسعه در زمره یکی از جوان ترین کشورهای جهان به حساب می آید. به دنبال افزایش جمعیت در دهه اول پس از انقلاب (۱۳۶۵-۱۳۵۵) نسبت جمعیت بالقوه فعال افزایش قابل ملاحظه ای داشت، به طوری که نسبت این جمعیت از حدود ۵۲/۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵۶/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت و این شاخص درحال حاضر رقمی بیش از ۶۳ درصد را دربرمی گیرد.(۱)

مجموعه تحولات فوق به مفهوم حضور پررنگ وپردامنه نسل جوان در لایه های مختلف اجتماع معاصر ماست. مسائلی ازقبیل اشتغال، ازدواج، تحصیل، گذراندن اوقات فراغت، الگوپذیری، جذب در گروههای مختلف اجتماعی، مد و ناهنجاری های اجتماعی وجنسی وفرهنگی که درقالب جرم وجنایت رخ می نماید.

از مهمترین دغدغه هایی است که در ارتباط با این نسل پرجمعیت خود را نشان می دهد. پرسشی که دراین نوشتار درپی طرح آن هستیم، چگونگی بازتاب این دغدغه ها در آینه سینماست. سینما خود پدیده ای است که با عنایت به وجود سه گانه اش (هنر، صنعت، رسانه) جایگاه پررنگ و پرامهیتی را در بین ابزارگذران اوقات فراغت داراست. البته دراین راه نظرمی رسد سهولت دسترسی به رسانه های دیگری از قبیل تلویزیون، ویدیو، اینترنت، و دی وی دی همراه با گستردگی و کارآمدی و تنوعی که درآنها وجوددارد تا حد زیادی جایگاه سینما را تحت الشعاع قرارداده است و عواملی ازقبیل عدم کارایی رسانه سینما، فقدان فیلم های خوب و یا مشکلات مربوط به اکران آنها، دیر یا زود ظاهرشدن فیلم های سینمایی بر صفحه تلویزیون یا سایر رسانه های تصویری، گرانی بلیت سینما و علل دیگر بر این مساله بیشتر دامن می زند.

طبق یک نظرسنجی ملی (۲) ازبین جمعیت موردمطالعه آن بررسی، ۶۶/۴ درصدمردم ایران هرگز به سینما نمی روند. سایر افراد نیز یا به ندرت به سینما می روند (۲۱/۲ درصد) و یا گهگاه (۹/۱ درصد)، وتنها ۲/۷ درصد زیاد به سینما می روند. منتها نکته قابل توجه این است که از بین همه این طیف ها بازهم نسل جوان بیشترین رده سنی متقاضی رفتن به سینما را تشکیل می دهد.

گروه سنی	هرگز به سینما نمی‌رود	به ندرت به سینما می‌رود	گاهی به سینما می‌رود	زیاد به سینما می‌رود	نامشخص
۱۸-۲۴	۲۵/۷ درصد	۳۱/۸ درصد	۱۵/۹ درصد	۸/۴ درصد	۰/۲ درصد
۲۵-۳۴	۵۷/۸ درصد	۲۹/۵ درصد	۱۱/۶ درصد	۲/۷ درصد	۰/۲ درصد
۳۵-۴۴	۶۸/۹ درصد	۲۰/۸ درصد	۷/۲ درصد	۲/۲ درصد	۰/۹ درصد
۴۵-۵۴	۷۵ درصد	۱۶/۸ درصد	۵/۹ درصد	۱/۲ درصد	۱ درصد
۵۵ و +	۸۵ درصد	۸/۶ درصد	۴/۲ درصد	۱ درصد	۰/۶ درصد
کل	۶۶/۴ درصد	۲۱/۲ درصد	۹/۱ درصد	۲/۷ درصد	۰/۵ درصد

همچنان که از روابط معنادار متغیرهای جدول بالا برمی آید، هرچه از سن جوانی به سن میانسالی حرکت کنیم میزان حضور در سینما کمتر می شود و این امر نشان از همبستگی پدیده سینما با پدیده جوان دارد. اما با این حال مقایسه تعداد نسل جوان (که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند) با تعداد کسانی که سینما را به عنوان یک پدیده جدی جهت سرگرمی و اوقات فراغت تلقی می کنند (که نهایتاً ۵درصد کل کشور را شامل می شود.) حکایت از آن دارد که سینما همچنان فرسنگ ها از تعامل با نسل جوان به دور است. آیا این مساله ارتباطی با محتوا و مضمون فیلم های ایرانی نیز دارد؟

بروز انقلاب اسلامی به سینمای ایران شوک شدیدی را وارد ساخت. بدان سان که همراه با ایجاد تحول دریافت لایه های مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، سینما نیز در دستور کار تغییرنگرش ها قرارگرفت. از همین روبحث جوان گرایی در آن سال ها چندان محلی از اعراب نداشت و بیشترین مضامین حول وحوش انقلابی گری وافشای اسناد جنایات حکومت پهلوی و قدرت های خارجی نظیر آمریکا می گردید.

فیلمی نظیر خونبازان (امیر قویدل) از معدود آثاری بود که انقلابی هایش جوانانی تقریباً ۲۰ ساله بودند و سایر آثار انقلابی چندان جایگاهی را برای مفهوم جوان قائل نبودند. با گذشت چندسال از انقلاب که به ثبات بیشتر امور انجامید. سیرمضمونی سینمای ایران نیز تغییر جهت داد و عمدتاً بر دومحور خانواده و اعتیاد متمرکز شد که البته با آغاز جنگ تحمیلی، موضوع دفاع مقدس نیز به آن افزوده شد.

اما این نیز منجر به پیدایش نگرش جدی و جدیدی به نسل جوان نشد و اگر هم در فیلم هایی از این دست، شخصیت داستانی سن و سال جوانی داشت، مایه داستانی اثر به این حوزه کمترین توجه را معطوف می کرد و باز بیشتر تحت الشعاع موضوعات یادشده قرارمی گرفت. مثلاً فیلم دیوسرتان (اکبرصادقی) حکایت ارتباط یک معلم جوان با دانش آموز جوانش بود، اما این نکته بیشتر از آن که اقتضائات سن جوانی را موردتوجه قراردهد، بحث پلیدی قاچاقچیان و توزیع کنندگان موادمخدر را پی گرفته بود که درحال تباهی یک نسل هستند.

همچنان که روابط معنادار متغیرهای جدول بالا برمی آید، هرچه از سن جوانی به سن میانسالی حرکت کنیم میزان حضور در سینما کمتر می شود و این امر نشان از همبستگی پدیده سینما با پدیده جوان دارد. اما با این حال مقایسه تعداد نسل جوان (که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند) با تعداد کسانی که سینما را به عنوان یک پدیده جدی جهت سرگرمی و اوقات فراغت تلقی می کنند (که نهایتاً ۵درصد کل کشور را شامل می شود.) حکایت از آن دارد که سینما همچنان فرسنگ ها از تعامل با نسل جوان به دور است. آیا این مساله ارتباطی با محتوا و مضمون فیلم های ایرانی نیز دارد؟

بروز انقلاب اسلامی به سینمای ایران شوک شدیدی را وارد ساخت. بدان سان که همراه با ایجاد تحول دریافت لایه های مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، سینما نیز در دستور کار تغییرنگرش ها قرارگرفت. از همین روبحث جوان گرایی در آن سال ها چندان محلی از اعراب نداشت و بیشترین مضامین حول وحوش انقلابی گری وافشای اسناد جنایات حکومت پهلوی و قدرت های خارجی نظیر آمریکا می گردید.

فیلمی نظیر خونبازان (امیر قویدل) از معدود آثاری بود که انقلابی هایش جوانانی تقریباً ۲۰ ساله بودند و سایر آثار انقلابی چندان جایگاهی را برای مفهوم جوان قائل نبودند. با گذشت چندسال از انقلاب که به ثبات بیشتر امور انجامید. سیرمضمونی سینمای ایران نیز تغییر جهت داد و عمدتاً بر دومحور خانواده و اعتیاد متمرکز شد که البته با آغاز جنگ تحمیلی، موضوع دفاع مقدس نیز به آن افزوده شد.

اما این نیز منجر به پیدایش نگرش جدی و جدیدی به نسل جوان نشد و اگر هم در فیلم هایی از این دست، شخصیت داستانی سن و سال جوانی داشت، مایه داستانی اثر به این حوزه کمترین توجه را معطوف می کرد و باز بیشتر تحت الشعاع موضوعات یادشده قرارمی گرفت. مثلاً فیلم دیوسرتان (اکبرصادقی) حکایت ارتباط یک معلم جوان با دانش آموز جوانش بود، اما این نکته بیشتر از آن که اقتضائات سن جوانی را موردتوجه قراردهد، بحث پلیدی قاچاقچیان و توزیع کنندگان موادمخدر را پی گرفته بود که درحال تباهی یک نسل هستند.

موضوع خانواده نیز چنین بود و بیشترین مایه هایش در ارتباط ما با جوان بحث ازدواج راشامل می شد اما این نیز قبل از آن که به فردیت و هویت جوان تعامل داشته باشد، به سازه های اجتماعی مساله نظرداشت و نهایتاً پیامی اخلاقی، دراین ارتباط صادر می کرد. نکاتی از قبیل احترام به بزرگترها (پدربزرگ ساخته مجید قادری) و یا دخالت در مسائل زوج های جوان (می خواهم زندگی کنم ساخته شاپور قریب) وشاید فیلمی مثل گل های داوودی (رسول صدرعاملی) که در اواسط دهه ۶۰ اکران شد، تا حدی این انحصار را شکست و عشق یک پسر و دختر جوان - هرچند نابینا - را از موضوعات اصلی اش برگزیده بود، ولی این نیز باز در زیر سایه موضوع اعتیاد و موضوع